



» بر همه‌ی مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب‌الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را یاری کنند.

والسلام علی عباد الله الصالحین << ۱۴۰۳/۰۷/۰۷



علیک السلام آقا جان - صفحه ۱

وعده صادق | ارزش گمشده | جهان بیدار - صفحه ۲،۳

اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ - صفحه ۴

معرفی کتاب - صفحه ۴

سخن سردبیر



بسم رب شهداء و الصديقين

شهادت، مرگ نیست. این من و شما هستیم که بین شهادت و مرگ یکی را بر می‌گزینیم. یا منفعل در گوشه‌ای به استقبال مرگ می‌رویم و یا تجسم این آیه از قرآن می‌شویم: (انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)^(۱) و ختم این مسیر را با شهادت، نه به عنوان نوعی مرگ؛ بلکه به سرآغاز زیستنی ابدی به آغوش می‌کشیم. با قلبی پر از آندوه و کینه، شهادت سید مقاومت و جمعی از یاران و سردار سرفراز، شهید نیلفروشان را به ساحت ولی امر مسلمین جهان و محور مقاومت تسلیم می‌گوییم. در این شماره از نشریه صبا، ما نیز بر آن شدیم که با قلم خود پیوست رسانه‌ای این جنگ حق علیه باطل باشیم و با تمام کم و کاستی‌ها به تبیین مسائل سیاسی روز در ایران و حوادث منطقه بپردازیم.

باشد که قطعه‌ای کوچک باشیم در پازل عظیم ظهور منجی عالم، انشالله.

(۱) برای جنگ با کافران، سبکبار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید، این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید. «آیه ۴۱ سوره توبه»

آقا ملت مصر را در کنار ملت‌های مسلمان قرار دادند ملت مصر، نه دولت مصر ... خطبه اول که تمام شد آقا گفتند: «نکته‌ای که می‌خواهم در خطبه دوم بگویم خطاب به برادران لبنان و فلسطین است پس خطبه را به زبان عربی می‌گویم.» تمام مدتی که عربی خطبه را قرائت می‌کردند من محو در زمین و حل در لحن ایشان بودم و گاه در میان خطبه دقیقاً آنجایی که آقا نام سید مقاومت را می‌آوردند حس می‌کردم بغض دارند و با بغض ایشان من هم فرو ریخته بودم ... خطبه‌ها که تمام شد من در اضطرابی عجیب فرو رفتم نکند اتفاقی بیافتد... خداکند آقا زود تر نماز را بخوانند ... نکند اتفاقی برایشان بیافتد ... با همه اینها آقا در کمال آرامش نماز را خواندند. فکر می‌کردم نماز عصر را نخوانند و بروند اما نماز عصر را هم با آرامشی کامل خواندند... و آری این تنها یک پیام برای آنها که با دست‌های در لرزش ما را تهدید می‌کنند داشت ...

«نه تعلل میکنیم و نه شتابزده می‌شویم»

"و ماتوفیقی الی الله"

مصلی تهران؛ ۱۳ مهرماه ۱۴۰۳

زینب رحیمی



روبه‌پایان...

علیک السلام آقا جان



مردم بلند شدند صدای شعار اینهمه لشکر آمده به عشق رهبر آمده ستون‌های مصلی را لرزاند و تازه آنجا بود که من از بهت و سردرگمی خارج شدم و از جا برخاستم شاید بتوانم همه‌ی اعتقاد را حتی از دور اندکی ببینم ... بماند که با چشمان ضعیفم دیدنشان از آن فاصله آنقدر راحت نبود. مسئولان برنامه جمعیت را به سکوت دعوت کردند تا تلاوت قرآن ادامه پیدا کند. بعد از تلاوت قرآن و نوای شور انگیز اذان ظهر به وقت تهران صدایی را شنیدم که تمام مدت منتظرش بودم آقا فرمودند: «سلام علیکم» و جمعیت بود که روی پا ایستاده و از حضرت ماه استقبال می‌کرد با شعارهایشان ستون‌های مصلی را که نه تن اسرائیل را هم به لرزه انداختند... و من ایستاده بودم با بغضی عجیب... و باهمان بغض سخت آرام و زیر لب گفتم: «علیکم السلام آقا جان» آقا خطبه را آغاز کردند و حالا جمعیت سرپایشان گوش شده بود. من آنچنان سیاست نمیدانم، آنقدرها هم اهل تحلیل نیستم اما با اینهمه چند نکته در خطبه‌ی حضرت آقا توجهم را به خود جلب کرد مثل دفاع حضرت آقا از طوفان الاقصی مثل نام بردن از ملت مصر در بین ملت‌های مسلمان.

حدود سه صبح که باصدای آلام یکی از دوستان خواب از چشمانم رخت بست دیگر نتوانستم بخوابم. نماز صبح را که خواندیم به سمت مصلی حرکت کردیم مسیر ها را بسته بودند و لاجرم راهی مترو شدیم ... حال و هوای مترو برای من که تا به حال در این چنین شرایطی نبودم آنقدر جالب و شور برانگیز بود که گوشی‌ام برای ثبت کردن این لحظات لحظه‌ای از دستم جدا نمی‌شد. پله‌های مترو مملو از یاران سید علی بود که صدای بلند شعار "ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند" را سر می‌دادند و از عمق جانشان مرگ بر اسرائیل را فریاد می‌زدند ... به مصلی که رسیدیم ساعت تقریباً هفت صبح بود و به فضل خدا هنوز درهای اصلی بسته نشده بود. جایی نشستم که روبروی جایگاه بود فاصله‌ام بسیار بود اما امیدوار بودم بتوانم حضرت ماه را حتی از همین فاصله زیارت کنم. هوا گرم بود و آفتاب شهر تهران بی رحمانه بر سر نمازگزاران و عشاق ولایت می‌تابید. ساعتی را تا شروع برنامه‌ی بزرگداشت سید مقاومت منتظر ماندیم. برنامه بزرگداشت تا چند دقیقه قبل از اذان ظهر به وقت تهران ادامه داشت. قاری شروع به تلاوت قرآن کرد، در میان تلاوتش لحظه‌ای سکوت کرد و ادامه نداد...

ارزش گمشده

«مَنْ يَعْمَلْ يَرْدَادُ قُوَّةً؛ جامعه‌ای که در آن، کار وجود داشته باشد و عمل انجام بگیرد، قدرت و قوَّت آن افزایش پیدا خواهد کرد. پس عمل در اسلام ارزش ذاتی دارد. چه کسی این عمل را انجام میدهد؟ شما؛ کارگر. پس کارگر ارزش ذاتی دارد. ببینید، نگاه این نگاه است. نگاه این نیست که اگر این نباشد، جیب من خالی میماند؛ [این نیست که] به عنوان یک ابزار به کارگر نگاه کند؛ اسلام این جوری نگاه نمیکند؛ میگوید این دارد عمل میکند و عمل ارزش ذاتی دارد، بنده این را میخواهم بگویم تا هم شما که کارگر هستید خودتان به ارزش و اهمّیت جایگاه کارگری توجه بکنید و تکیه بکنید، هم جامعه‌ی کشور و مردم کشور توجّه کنند که کارگر چقدر اهمّیت دارد.» ۵ اردیبهشت/۱۴۰۳ دیدار حضرت آقا با کارگران بیش از ۲ هفته از حادثه دلخراش کارگران معدن طبس می‌گذرد.

از شیون مادر محمد جواد ۲۷ساله تا هق هق های بی وقفه دختر ولی اسماعیلی. چقدر برای معدنچیان طبس ارزش قائل هستیم؟ به اندازه یک بیانییه؟ یک استوری؟ یا پیگیری هایی اعم از پرداخت مستمری خانواده ها و دیه ؟ یا نجات ۱۸۵ نفر از معدنچیان دو بلوک؟ یادیدار حضوری و دلجویی از خانواده شهدا معدن؟یا اهدا عضو و نجات جان ۶تن از کارگران؟ و یا ... یا به قول آقای غیائی (معاون دبیر کل خانه کارگر کشور) : «معادن ما به بخش خصوصی واگذار شده و هیچکس پاسخگو نیست و جان کارگر ارزشی ندارد.» طبق تکنیک ۵ چرا^۱ علت ریشه ای هر مشکل به ظاهر فنی یک مسئله انسانی است. میتوان نتیجه گرفت که حادثه نبوده و ناشی از خطای جمعی از افراد و مسئولین در انتخاب معاونین و آموزش بازرسین است و همچنین یک شخص یا چند شخص نیستند که دچار قصور شده اند بلکه رفتاری از رفتار های آنها اشتباه بوده است بنابراین میتوان گفت برای اجتناب از این نوع قصور نیاز به بهبود افراد یعنی آموزش و انتصاب افراد متخصص در این مناصب است. اینگونه حداقل خون کارگران شهیدمان سبب بیداری مسئولان شده البته بی انصافی است از کارهای خوبی که کمتر رسانه ای می‌شوند غافل شویم مسئولین مدیریت بحران استان و ماموران امداد و نجات و کارگرانی که برای کارگر ارزش قائل هستند. از ۲۵۲ کارگر موجود در دو بلوک ۱۸۵ نفر را سالم خارج کردند. که نشان از سرعت عمل در خارج کردن کارگران با وجود جان باختن مسئول ایمنی در همان ابتدا که وظیفه انتقال اخبار را داشت.این فقط اهمیت کارگران از منظر امداد گران، ۲تن از معدنچی های مصدوم با گذشت از اعضای بدنشان به ۶نفر جان دوباره بخشیدند. انکار کارگر بیش از اینکه در چشم مسئولان و جامعه ارزش باشد در نگاه خودشان گوهر است. به امید ساختن جامعه ای که مانع از ابزار انگاری کارگران می‌شود و برای کار و کارگر ارج می‌نهد، جامعه ای که مسئولین به وعده دیه و مستمری عمل، ساختار آموزشی کارگران را بهبود،قوانین کارگر و کارفرما را اجرایی، ایمنی را افزایش و...

(۱) این روایت مربوط به اجتماعات بشری است.

(۲) تکنیک پنج چرا توسط پدر سیستم تولید تویوتا(تایچی اونو) برای حل سیستماتیک مشکلات توسعه پیدا کرد. برای مثال اگر موتور ماشین دچار مشکل شود و بپرسیم چرا؟ متوجه می‌شویم مشکل از سر سیلندر است و دوباره می‌پرسیم چرا؟ این چرا تا جایی ادامه پیدا می‌کند که متوجه می‌شویم مسئول تهیه قطعات موتور قطعه نامرغوب خریداری کرده است.

رو به پایان...

۲

۳

رو به پایان...

وعده صادق

آن شب غرور آفرین ، به خوبی نمایان کرد که شیعیان علی بن ابی طالب (ع) در کمال صلح طلبی ، مقتدر اند و جنگ بلد ؛ نه ترسی از دشمن غاصب دارند و نه تهدید ها میتواند اراده آهنین آنان را متزلزل کند. وعده صادق نشان داد که صبر استراتژیک تهران دیگر به سر آمده و وعده و فریب کشور های غربی و آمریکا نمیتواند مانع اقدام ایران گردد و تنها تنبیه و زبان زور است که میتواند ماشین ترور این رژیم جنایت کار را متوقف کند. در این چند ماه رژیم صهیونیستی سعی می کرد استراتژی^۲ MAD MAN را به خوبی دنبال کند.برای همین است که هر بار به جنایتی هولناک تر روی می‌آورد تا خود را غیر قابل پیش‌بینی و دیوانه نشان دهد تا هم مقاومت را فلج کند هم جلوی اقدامات پیش‌دستانه از سوی بقیه جبهه‌های مقاومت را بگیرد . اصولاً روش رژیم صهیونیستی هزینه را کردن جنگ برای مردم آن کشور هست تا در آینده خود همان مردم جلوی مقاومت بایستند برای همین هست که این رژیم از هیچ‌گونه خط قرمزی در جنگ تبعیت نمیکند؛ اما وعده صادق ۲ به صهیونیست ها نشان داد که این استراتژی در برابر مردمی که شهادت و ایثار جزئی از DNA آنهاست کار ساز نیست. پس از وقوع این عملیات اقدامات دولت و دستگاه دیپلماسی نیز از دو جنبه حائز اهمیت و قابل قدردانی بود. اولاً در این برحه از زمان که دولت جدید تازه مستقر شده و دوباره گمانه زنی ها درباره ی احیای برجام قوت گرفته ، حمله به مهمترین متحد آمریکا در خاورمیانه به جد تصمیمی شجاعانه بود . همچنین سفر های پی در پی رئیس جمهور و وزیر امور خارجه به کشور های منطقه آن هم در وضعیت جنگی نشان دهنده روحیه بالا شهادت طلبی و شجاعت در میان دولتمردان ایران بوده و هست. اقدام رهبر فرزانه و شجاع انقلاب اسلامی با حضور در نماز جمعه و خطبه حماسی ایشان و همچنین حضور پرشور مردم به خوبی نمایان کرد که مقاومت ریشه در تار و پود ایرانیان دارد و نه تنها حاکمیت بلکه این مردم ایران هستند که اصلی ترین حامیان آرمان فلسطین و مظلومان جهان اند.

(۱)سوره صافات آیه ۱۳۷

(۲)مرد دیوانه

جمعه نصر



ما به سوی میدان نبرد پرواز میکنیم

(رهبر انقلاب) (نماز جمعه تهران ۱۳۵۹/۰۷/۰۴)

بعد از انجام موفقیت آمیز عملیات وعده صادق ۲، رژیم صهیونیستی بار دیگر ایران را به اقدام تلافی جویانه تهدید میکرد، اما در این بین خبری منتشر شد که نه تنها برای صهیونیست ها و غربی ها بلکه برای عده ای در ایران نیز حیرت آور بود اقدامی که فضا را به نفع محور مقاومت تغییر داد ؛ نماز جمعه این هفته تهران به امامت رهبر معظم انقلاب بعد از پنج سال!!- این تصمیم رهبر انقلاب در این برحه پیامی آشکار داشت پیامی که درک آن برای صهیونیست ها که به هنگام جنگ از پشت مانیتورها و داخل پناهگاه ها نظارگر میدان جنگ بودند سخت بود. نماز جمعه تاریخی تهران صحنه‌ای از اتحاد ملت ایران و تاکید بر مقاومت اسلامی بود. حضور میلیونی مردم در این نماز جمعه در زمان تهدیدات رژیم صهیونیستی، اهمیت ویژه این خطبه‌های رهبری را دوچندان کرد. خطبه‌هایی که در این نماز جمعه ، پیامی روشن و صریحی برای جهانیان و دشمنان این مرز و بوم داشت.

تا پای جان برای مقاومت



همزمان با شروع خطبه‌های نمازجمعه رهبر انقلاب، هواپیمایی حامل مقامات ایرانی در فرودگاه بیروت به زمین نشست. آن‌هم در شرایطی که شب گذشته و البته صبح همان روز رژیم‌صهیونیستی چندباری فرودگاه بیروت را هدف قرار داده بود و تهدید کرده بود هر هواپیمایی که در بیروت فرود بیاید را مورد اصابت قرار خواهد داد، با این حال سیدعباس عراقچی وزیر خارجه کشورمان همراه مقادیری کمک های دارویی و غذایی وارد بیروت شد. حضور شجاعانه وزیر امور خارجه در بیروت و همچنین بعد از آن در دمشق در زمان تمامی تهدید ها به صهیونیست ها نشان داد که ایران در هر شرایطی در کنار ملت لبنان و هم پیمانان خود در جبهه مقاومت ایستاده است و مسئولان ما نیز در خط مقدم این حمایت قرار دارند و همراهی تا زمان آزادی قدس و پس از آن نیز ادامه خواهد داشت.



امیرمهدی علی آبادی

جهان بیدار

حدود ۷۰ سال قبل وقتی آفتاب سپیده دم در غرب آسیا سر بر آورد شاهد تحولی عظیم و غیر قابل باور بود. اتفاقی که زندگی میلیون ها انسان بی گناه را تحت تاثیر قرار داده بود و زمین بی تاب از این همه جنایت. سال ۱۹۴۸ تاریخی که برای همیشه در یاد و خاطرات ماندگار خواهد ماند حمله به سرزمین فلسطین و اشغال بخش عظیمی از آن که نقطه آغازی بود برای شروع تحولات چند دهه اخیر البته تحولاتی از جنس ظلم، بی عدالتی و شرارت که مصادیق آن با گذشت هر چه بیشتر زمان خود را نمایان کرده است مانند غصب سرزمین فلسطین، حمله به لبنان و حزب الله، و کشتار جمع کثیری از مردم و از همه مهمتر ایجاد یک پشتوانه برای دخالت آمریکا در منطقه مانند اشغال افغانستان حمله به عراق تشکیل داعش و اهرم فشاری برای پیاده کردن نقشه‌های خود و اما حدود ۴۵ سال قبل وقتی آفتاب سپیده دم در غرب آسیا سر برآورد شاهد تحول و انقلابی بی‌نظیر در منطقه بود تغییری از جنس غرور توأم با شادمانی مضاعف انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی بود برای آغاز یک جریان با شعار حق و عدالت طلبی در ذیل مکاتب اسلامی که نگاه متفاوتی بود نسبت به دیدگاه‌های عصر خویش و این تفاوت آن را متمایز می‌کرد و رفته رفته اختلافات مبانی فکری جمهوری اسلامی قدرت‌هایی مانند آمریکا و رژیم اسرائیل باعث ایجاد دو جبهه شده است جبهه اول نگاه مادی و خود بینی غیر انسانی نسبت به همه موضوعات دارد و جبهه دوم که نگاهی کاملاً انسانی بر محور عدالت و حق طلبی دارد به طوری که نمی‌تواند شاهد ظلم و شرارت باشد اما کاری انجام ندهد از آن رو که دشمن ما یعنی اسرائیل در چند دهه اخیر دست به جنایت‌های بزرگی علیه مردم فلسطین و لبنان زده است ما وظیفه خود می دانیم که به حفظ و میانت از این راه و هم نوعان خود کمک کنیم و تبعات این اتفاقات باعث تغییر و تحولات بزرگی در نظم منطقه شده است و فلسطین به عنوان مرکز ثقل این اتفاقات است در یک سال گذشته با جانفشانی‌ها و از خود گذشتگی‌ها جهان را از خواب بیدار کرده به طوری که در مهم‌ترین مراکز علمی جهان مانند دانشگاه‌ها در حمایت از آنان شعار سر می‌دهند و حتی تحصن می‌کنند حتی اگر به قیمت اخراج آنان باشد و این یعنی مردم متوجه سیاست‌های دروغین قدرت‌ها شده‌اند و به آن درک رسیده‌اند که برای به دست آوردن آن باید هزینه دهند و این گفتمان به خودی خود هژمونی سیاستمداران و زورگویان را در هم می‌کوبد و باعث تحولاتی در جهان شده است تاب امروز بی‌سابقه بوده است و شکست بزرگ برای رژیم اسرائیل و هم‌پیمانان اش بود و از زاویه دیگر با قدرت گرفتن جبهه مقاومت و کشورهای اسلامی در برابر اسرائیل هیمنه قبلی آن فرو ریخته است و جهان امروز در حالت گذار به سمت یک نظم نوین است و در آخر وظیفه ما به عنوان دانشجو و به قول شهید بهشتی موزن‌های جامعه این است که در طرف درست تاریخ بایستیم و با توجه و تکیه بر حکم حضرت آقا که فرمودند حکم قطعی و شرعی است که فلسطین و مسجد الاقصی به صاحبان اصلی آن بازگردد و انشاءالله که بتوانیم در این مسیر قدم برداریم و سلام علیکم و رحمه الله و برکاته.



امیرحسین رضایی

اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ

شهید نصر الله؛

هنوز قلمم عادت به نوشتن کلمه‌ی «شهید» پیش‌وند نام این شیر مرد پیکار مقدس فتح قدس را ندارد. زبانم قاصر تر از این حرف‌هاست که قلم به بزرگواری این آقا بزنم. «ما به جد عزادار شدیم» اما به قول شهید سعید سید حسن نصرالله؛ «ما شکست نمی‌خوریم وقتی پیروزیم پیروزیم، و وقتی شهید می‌شویم نیز پیروزیم». از این رو بر آن شدم که وقت گرانهای شما را در حد چهار دقیقه بگیرم تا شاید کمی بتوانم غربت نام سید حسن را در اذهان مبارکتان بگهام.

نکته‌ی اول؛

اگر از این پاراگراف به بعد شاهد تغییر در لحن نوشتار بنده شدید، خاطر عاظران را مکدر نکنید.

نکته‌ی دوم؛

از این بعد متن ما قرار است به یکی از ابعاد وجود این شهید سعید بپردازد و آن هم قدرت ادبیات سازی شهید نصرالله در طول دوران دبیر کلی حزب الله لبنان است.

بدیهی است که بضاعت این متن و قلم در برابر عظمت این شهید والامقام کم و ناچیز است.

سید حسن نصرالله مهم‌ترین رسانه‌ی مقاومت؛

سیدحسن نصرالله، رسانه را به خوبی می‌شناخت. الفاظی که او در صحبت‌های خود استفاده می‌کرد به سرعت وارد ادبیات سیاسی کشورهای حامی مقاومت و از جمله ایران می‌شد. آخرین سخنرانی سید حسن نصرالله بعد از انفجار پیجرها در لبنان را می‌توان نقطه اوج این هنرنمایی رسانه‌ای سیدحسن نصرالله دانست. او تلاش نکرد ضربه‌ای که به حزب‌الله وارد شده را کتمان کند اما در ادامه تاکید کرد که با وجود این حملات، جبهه لبنان متوقف نخواهد شد و حمایتش را از غزه و کرانه باختری متوقف نخواهد کرد. این صحبت‌ها به خوبی نشانگر این موضوع است که، مرد سرش برود قولش نمی‌رود...

اولین سخنرانی؛

سیدحسن نصرالله در اولین سخنرانی خود و بعد از انتخاب بهمنوان دبیرکل حزب‌الله لبنان، از ادامه پیدا کردن راه حزب‌الله لبنان گفت: «شهادت سیدعباس موسوی، دلیل سطح رشد و بالندگی راه حزب‌الله در لبنان است و دلیل سطح بالای خلومش در راه اهداف الهی است و دلیل سطح بالای همبستگی فرماندهی با نیروهای خود است سطح بالای از خودگذشتگی به‌مرز و دلیل سطح بالای حضور میدانی است و دلیل سطح بالای وفاداری به مقاومت و مردم است و آغاز تحول بزرگ روحی و معنوی و جهادی است که برای قاتل او باورپذیر نیست.»

معرفی کتاب

عبار واقعی ارتش پر ادعا



کتاب «روایت قرن» به کوشش علی گلی نام و رضا قیومی پور توسط دانشگاه جامع امام حسین منتشر شد. شاید اگر در سال ۲۰۰۱ کسی می‌گفت ایران توانسته است با ساخت جدیدترین موشک‌ها؛ گنبد آهنین اسرائیل را به بازی بگیرد کسی باورش نمیشد اما در چندین ماه گذشته ایران صفحه ای جدید از قدرت نظامی خود را به نمایش گذاشت تا جایی که سر دبیر سابق bbc هم گفت ایران ثابت کرد سامانه دفاعی اسرائیل آبکش آهنین است. کتاب روایت قرن ماجرای داستان گونه قوای نظامی ایران در قرن ۱۴ شمسی است که به مرور و مقایسه نقاط برجسته مهم تاریخ پهلوی اول تا جمهوری اسلامی می‌پردازد. و در ادامه برشی از این کتاب را می‌خوانید: «محسن پرشک پور؛ بنیان گذار حزب پان ایرانیست و نماینده مجلس شورای ملی در دوره های بیست و دوم و بیست و چهارم، در مصاحبه با مجموعه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد با اشاره به دو اعلامیه ستاد ارتش می گوید:

«همان طور که برای شما بیان کردم، اعلامیه دوم ستاد ارتش عبارت بود از اعلام تسلیم بلاقید و شرط .

شهید پدر شهید؛

پنج سال بعد از قبول مسئولیت دبیری کل حزب‌الله لبنان رژیم صهیونیستی پسر سیدحسن نصرالله را به شهادت رساند. واکنش سیدحسن نصرالله در مورد این حادثه تلخ نیز به نوعی شکوه و صلابت را با خود به همراه دارد. او در بخشی از این سخنرانی گفت خوشحال است که بهمنوان یک خانواده شهید شناخته می‌شود.

عمودی بیابید، افقی برمی‌گردید؛

سیدحسن نصرالله عموماً در سخنرانی‌ها از حرکات دست خود استفاده می‌کرد. نقطه اوج تاثیرگذاری زبان بدن سیدحسن نصرالله را می‌توان در سخنرانی او بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی پیدا کرد. بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی بحث محوری و اصلی که مطرح می‌شد این بود که تنها پاسخ به ترور حاج قاسم سلیمانی، خروج همه نظامیان آمریکایی از منطقه است. موضوعی که سیدحسن نصرالله آن را به این شکل مطرح می‌کند: «اگر ملت های منطقه ما در این مسیر قرار بگیرند، نتیجه‌اش چه خواهد بود؟ وقتی کار با این شفافیت و نه در سطح اظهار نظر آغاز شود، اگر دقیق باشد، اجساد نظامیان و افسران آمریکایی به کشورشان باز می‌گردد. یعنی اگر عمودی بیابند، افقی به آمریکا باز می‌گردند و ترامپ و دولتش می‌فهمند که در منطقه باخته‌اند و در انتخابات نیز باز مانده‌اند.»

ارزش کفش سلیمانی از سر ترامپ بیشتر است؛

یکی از درخشان‌ترین اظهار نظرهای رسانه‌ای در برخورد با این اقدام را می‌توان در سخنرانی سیدحسن نصرالله به مناسبت شهادت حاج قاسم سلیمانی دید. نصرالله در مورد اینکه چه کسی هم‌وزن انتقام حاج قاسم سلیمانی است، گفت: «قصاص عادلانه چیست؟ باید شخصیتی هم‌وزن قاسم سلیمانی باشد. رئیس ستاد مشترک آمریکا و وزیر دفاع و وزیر جنگ چه کسی؟ فکر نمی‌کنم، شخصیتی هم‌وزن قاسم سلیمانی باشد. ارزش کفش سلیمانی از سر ترامپ بیشتر است.»

اَشْداءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رَحْماءُ بَيْنَهُمْ؛

به‌وضوح می‌توان گفت در صحبت‌های نصرالله هیچ حرکت، رفتار و برخورد اضافی را نمی‌توان پیدا کرد. دبیرکل حزب‌الله دقیقاً زمانی لب‌بند می‌زد که نیاز بود. برای تحقیر دشمن یا بشارت پیروزی حتی لب‌بندهای نصرالله نیز تفاوت داشت. مکش‌های چند باره سیدحسن نصرالله حتی در میان سخنرانی‌اش هم کاملاً هدفمند و هوشمندانه مطرح می‌شد، گویی نصرالله به مخاطب فرصت می‌داد تا آنچه مطرح کرده را ابتدا به خوبی درک کند یا برای شنیدن ادامه صحبت‌ها کنج‌گاو باشد.

شما که از سایه خودتان می‌ترسید، چطور می‌خواهید با ما بجنگید؟!

تضعیف اسرائیل اصل کلیدی‌ای بود که شهید سیدحسن نصرالله در تمام سخنرانی‌هایش به آن پایبند بود. سید حسن نصرالله دقیقاً روی نقطه‌ضعف دشمن دست می‌گذاشت: «شما که از سایه خودتان هم می‌ترسید، چطور می‌خواهید با ما بجنگید.» نکته واضح در مورد نیروهای رژیم، ترس بیش از اندازه آنها بود، درحالی‌که شجاعت نیروهای مقاومت نقطه قوت آنها بود. «ارتش شما مانند خانه عنکبوت است، با یک وزش باد فرو می‌ریزد.» ایشان تلاش می‌کرد درحالی‌که نقاط ضعف رژیم را به رخ بکشد، نقاط قوت مقاومت را هم نشان دهد. «ما به استقبال مرگ می‌رویم اما شما از آن فرار می‌کنید.» این جمله سیدحسن نصرالله دقیقاً نقطه قوت مقاومت و ضعف دشمن صهیونی را به رخ می‌کشد.

ناگهان همه چیز از هم پاشید، ظرف چند ساعت. من خاطرم هست که از عصر چهارم شهریور ۱۳۲۰ من و عاملی و بهره مند و فرید سیاح سیالو و یکی، دوتن دیگر که حال نام شان به خاطر من نیست. از آن بچه‌هایی که در آن محل بودیم، دور هم جمع شدیم، واقعا با چشم‌های اشک‌بار و غم‌زده، متاسف، متالم و خشمگین که پس چه شد؟ چرا همه دست‌هایشان را به تسلیم بالا بردند؟ پس چه شد این هواپیماها؟ چه شد آن ارتشی که می‌گفتند؟ چرا مقاومت نکردند؟ چرا دوباره ملت ایران را دست بسته تسلیم کردند؟»



شنانامه:

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه هرمزگان

مدیر مسئول: مهدیه محمدی آزاد

سر دبیر: امیرمهدی علی آبادی

هیئت تحریریه: مهدیه محمدی آزاد، زینب رحیمی، امیرمهدی علی آبادی

امیرحسین رضایی، اسماعیل رجب دری

راه‌های ارتباطی با انجمن اسلامی دانشجویان مستقل



mostaghelhu



mostaghelhu



mostaghelhu



mostaghelhu1